

همایش موازین توسعه و ضد توسعه

فرهنگی - اجتماعی شهر تهران

حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی زنان در شهر

گیتی اعتماد

تابستان ۱۳۸۰

## حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی زنان در شهر

### مقدمه - چکیده

برای زنان در جامعه ما بخصوص جامعه شهری (که در اینجا عمدتاً کلانشهر تهران مدنظر است) نوعی حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی وجود دارد. این حاشیه‌نشینی به مفهوم جدایی مکانی و فضایی زنان در کاربریهای مختلف شهری، سکونت، کار، خدمات تفریح و غیره است که نه لزوماً اما عمدتاً از کیفیت پایین‌تری نسبت به فضاهای مشابه برای مردان برخوردار است.

در این مقاله با توجه به تعریف و فرض فوق به چگونگی و نوع این حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی در عملکردهای مختلف اجتماعی می‌پردازیم. جدایی‌هایی که گاه بر زنان تحمیل گردیده است (نظیر جدایی آنها در یک اداره یا یک مکان مذهبی) و حاصل عرف و سنت و یا سلیقه‌های مردسالارانه است و گاه به دلایل فرهنگی اجتماعی توسط خود زنان بکارمی‌رود (پرهیز از ورود به نقاطی خاص به‌طور کلی - به‌عنوان نمونه ورزشگاهها، قهوه‌خانه‌ها و غیره - و یا دوری از بعضی نقاط در زمانهای خاص - برای نمونه عبور از خیابانهای خلوت یا پارکها در ساعاتی از شب یا روز). اما به‌طور کلی این حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی زنان ریشه در عوامل اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی داشته که در یک جامعه سنتی (و در مواردی حتی در جوامع مدرن) ریشه در باورهای عمیق و دیرینه افراد جامعه (عمدتاً مردان و در بسیاری موارد زنان در جوامع و خانوارهای سنتی)، ساختار اقتصادی اجتماعی، شیوه تعلیم و تربیت و آموزش و غیره دارد که به نوعی حاشیه‌نشینی اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و به تبع آن حاشیه‌نشینی فضایی را به زنان تحمیل کرده است.

در نهایت با توجه به واقعیت فوق، پیامدهای این حاشیه‌نشینی (اقتصادی - اجتماعی - فضایی) همانند عدم برخورداری از امکانات اجتماعی، اقتصادی - فرهنگی، فقدان یک ارتباط طبیعی و منطقی بین دختران و پسران، کاهش آگاهی زنان و عدم استفاده کامل از توان زنان (نیروی کاری و فکری آنها و غیره) بررسی گردیده است.

---

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشینی زنان - فضایی - مکانی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی، سنتی - مدرن

## ۱- مفهوم حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی زنان در شهر

حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی زنان به نوعی از جدایی فضایی - مکانی (عمدتاً ناخواسته) استقرار زنان در شهر (محل سکونت، کار، تفریح و غیره) اطلاق می‌گردد که در سطوح مختلف و نقاط گوناگون جامعه به چشم می‌خورد. این مکان مجزا، نه لزوماً اما عمدتاً از کیفیت پایین‌تری (نسبت به فضاهای مشابه برای مردان) برخوردار است. همچنین این امر به مفهوم جلوگیری از ورود زنان به مکانهای خاص به‌طور کامل یا در زمانهایی معین است.

## ۲- چگونگی جدایی مکانی

جدایی مکانی برای زنان در جامعه بسیار گسترده و متنوع است که می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد.

در خانه، بخصوص در خانواده‌های سنتی معمولاً مکان بهیتر (اطلاق، شاه‌نشین و غیره) به مرد خانه یا پسران خانه داده می‌شود. در ادارات، از آنجا که مقام‌های اصلی و مهم متعلق به مردان است بهیترین مکان‌های اداره به کارمندان مرد تعلق می‌گیرد و در صورت مساوی بودن رده‌های کارمندان زن و مرد، چون (با دیدگاههای سنتی) زنان نباید در انظار باشند، گاه اطاقهای کوچک و بدون نور به کارمندان زن (بخصوص قسمت تایپ که عمدتاً کارکنان آن از بسین زنان انتخاب می‌شوند) اختصاص می‌یابد.

در مجالس و مجامع نیز این جدایی مکانی و اختصاص مکانی با کیفیت نازلتر برای زنان به چشم می‌خورد. \* در سالنهای کنفرانس و سمینارها معمولاً بخش دورتری از صحنه اصلی و مرکز فعالیت، گوشه دور افتاده‌تری از فضا، برای زنان در نظر گرفته می‌شود.

در فضاهای عمومی شهری این جدایی چشمگیر است. بعضی از مکانهای شهری صرفاً متعلق به مردان است و زنان را در آن راهی نیست (مراکز

---

\* در یک سمینار که نگارنده در آن شرکت داشت یکی از زنان متخصص که سخنران بود بدون توجه به این جدایی در ردیف اول نشسته بود و در کنار یکی از مقامات مرد (در حد معاون استاندار) قرار گرفت. آن مقام چنان روی صندلی چرخیده و به آن زن پشت کرده بود که زن متخصص در میان جلسه مجبور به تعویض محل خود شد.

ورزشی - نظیر استادیوم‌های فوتبال و غیره - بعضی پارکها، کتابخانه‌ها و از این قبیل) و در بعضی لاقل در ساعاتی از شبانه‌روز یا روزهای خاصی زنان دیده نمی‌شوند (بسیاری از خیابانهای خلوت یا پارکهای دور افتاده در هنگام روز یا تاریکی شب فقط مردانه است و زنان دیده نمی‌شوند - لاقل تنها و بدون همراه).

در وسایل حمل و نقل عمومی (اتوبوس و قطار) هم این جدایی وجود دارد. در بسیاری از رستورانها مکانی مجزا برای خانواده‌ها یا زنان تنها در نظر گرفته شده که البته کیفیت آن عمدتاً مناسب‌تر است و یا لاقل نامناسب‌تر از بقیه رستوران نمی‌باشد (در این‌گونه مکانها هدف بیشتر دور از انظار بودن محل خانواده‌ها و زنان است).

در مراکز تفریحی - فرهنگی - مذهبی زنان معمولاً "مکان خاص خود را دارند نظیر سینماها (که گاه چندان به چشم نمی‌آید)، در مساجد این جدایی کاملاً محسوس است. زنان یا به کمک پرده‌ای (در مساجد کوچک) به قسمت پشت رانده می‌شوند و یا (در مساجد بزرگ) طبقه‌ای جداگانه به زنان اختصاصی دارد. در حالیکه فقط صدای سخنران را می‌شنوند (جز در مواردی که برای قسمت زنان از تلویزیون استفاده می‌شود) حتی مجالس خانوادگی نیز زنان و مردان معمولاً (بخصوص در خانواده‌های سنتی) به‌طور مجزا قرار می‌گیرند و در مجالس رسمی (عروسی و عزا و غیره) که در هتلها و سالن‌های عمومی برگزار می‌شود این جدایی بسیار مشخص و کامل است.

جدایی زنان در مدارس و دانشگاهها و به‌طور کلی مراکز آموزش چشمگیرترین و از نظر اجتماعی مهم‌ترین این جدایی‌هاست. در حال حاضر در مدارس (جز در موارد استثنایی در روستاها) جدایی کامل بین دختران و پسران در دوران تحصیل وجود دارد. بعد از انقلاب این جدایی به انحاء مختلف به دانشگاهها تعمیم یافت (جدایی محل نشستن در کلاسها، جدایی کامل کلاسها، جدایی کامل بعضی از دانشگاهها یا نوبتی کردن آنها برحسب شرایط - در دانشگاه آزاد اسلامی این جدایی گاه شامل پلکان عبور دانشجویان نیز می‌گردد).

### ۳- دلایل حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی

حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی زنان حامل حاشیه‌نشینی اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی آنهاست. بنابراین در هنگام بحث از حاشیه‌نشینی فضایی - مکانی در شهر (با نظر خاص به شهر تهران) باید به ریشه این حاشیه‌نشینی یعنی جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی و بخصوص فرهنگی آن نظر افکند. زنان، هم به‌طور سنتی در جامعه مردسالار و در فرهنگ ما از نظر اقتصادی در حاشیه بوده‌اند (اگر کار در خانه و مشاغل خانوادگی را کنار بگذاریم) و هم در جامعه مدرن و نیمه صنعتی ما نسبت به مردان در حاشیه قرار داشتند. این پدیده در اوایل انقلاب تشدید شد و گروهی از زنان تحصیل کرده و شاغل (بخصوص در رده‌های بالای اجتماعی- استادان دانشگاه، کارشناسان ارشد ادارات و به‌ویژه صاحبان مشاغل مهم نظیر مدیران کل، معاونین و غیره) خانه‌نشین گردیدند و از خیل تولیدکنندگان یا فعالان اقتصادی کنار رفتند. این موضوع انگیزه مهاجرت بسیاری از خانوارها و یا زنان تحصیل کرده در اوایل انقلاب شد. از آنجا که زنان شاغل عمدتاً در تهران اقامت داشتند، این در حاشیه قرار گرفتن در تهران بیش از سایر نقاط به چشم می‌خورد. علاوه بر این بعد از انقلاب در مورد زنان متخصص با ایجاد محدودیتهایی (نظیر جلوگیری از سفر ادارات آنها) به تغییر شغل این زنان و راندن آنها به بخشهایی از ادارات (که ربطی به تخصص و تجربه آنها نداشت) منجر شد و این حاشیه‌نشینی تشدید گردید. (جدول ۱)

حاشیه‌نشینی اجتماعی و فرهنگی - سیاسی زنان بیش از جنبه اقتصادی آن در دوره‌های مختلف و در بخشهای گوناگون جامعه چشمگیر بوده است. اگر زنان در جامعه سنتی به نحوی بخصوص در بخشهای معیشتی اقتصاد (کارگران کشاورزی، صنایع دستی - کارکنان بدون مزد خانگی) به کار گرفته شده‌اند، اما در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی با شدت وحدت بیشتری آنها را کنار می‌گذاشتند. البته در دوره‌هایی (نظیر قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب سفید شاه) به صورت نمایی و افراطی به زنان پستیهای وزارت و وکالت و غیره داده می‌شد، اما در مجموع در مشارکت اجتماعی زنان به‌عنوان شهروند و عضوی از جامعه مدنی، قبل از ارزیابی لیاقت و توانایی‌های آنان مسئله جنسیت آنها مطرح بوده است.

از عوامل مهمی که به حاشیه‌نشینی زنان و باورهای نادرست جامعه (هم مردان و هم زنان) کمک می‌کند، رسانه‌های عمومی موجود (بخصوص بعد از انقلاب) است. برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی که عمدتاً توسط

(جدول ۱) تعداد شاغلان مرد و زن ۱۰ ساله و بیشتر طی سالیهای  
 ۱۳۵۵-۱۳۷۵ در شهرستان تهران

شرح	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
مرد	تعداد	۱۲۹۵۴۱۲	۱۱۷۹۱۳۱
	درصد	۹۰/۱	۸۸/۶
زن	تعداد	۱۴۲۵۶۵	۱۵۱۸۱۸
	درصد	۹/۹	۱۱/۴
جمع		۱۴۳۷۹۷۷	۱۳۳۰۹۴۹

مردان و به خواست آنها تهیه می‌شود حاشیه‌نشینی زنان و جدایی آنها را و به‌طور کلی مرد محوری جامعه را به بیانه‌های اسلام‌گرایی و مقابله با فرهنگ غرب، تسلیین و تسکین می‌نماید. این موضوع در کتابهای درسی (به‌خصوص در دوره‌های ابتدایی) به چشم می‌خورد که به وضوح محدودیت فضای زندگی زنان را توجیه و ترغیب می‌کند.

در مقابل این حاشیه‌نشینی، ما در دهه ۱۳۷۰ شاهد پدیده جدیدی می‌باشیم. به‌طور کلی در این زمان زمینه‌هایی برای مشارکت بیشتر دختران و زنان در دانشگاه فراهم شد. به‌طوری‌که در مواردی برای اولین بار در ایران (و شاید در جهان) درصد دانشجویان دختر پذیرفته شده در دانشگاهها از پسران پیشی گرفت. \*\* دلایل این امر پیچیده و متعدد است در اینجا به مواردی که به نظر مهم‌ترین دلایل می‌باشند، اشاره کنیم:

- مهاجرت گروه زیادی از پسران به دلایل سالیانه جنگ (به‌خصوص در رده‌هایی که امکانات آموزش بهتر و بالاتر داشتند)

- اجازه یافتن دختران خانواده‌های سنتی برای ورود به دانشگاهها به دلیل جو مفید حاکم بر دانشگاهها (جدایی فضاها، مراعات پوشش، کنترل کامل در مورد تماس حداقل و گاه تا حد صفر بین دختران و پسران)

- روی آوردن پسران به مشاغل آزاد و پر درآمد و علاقه کمتر آنها به تحصیل که نتیجه آن مزدبگیری در سطوح حداقل است.

- جمعیت بیشتر دختران در تحصیل به دلایل متعدد از جمله محدودیت‌های استفاده از اوقات فراغت در خارج از خانه

---

\*\* این موضوع در آینده پدیده‌های پیچیده و در خور توجهی را به وجود خواهد آورد. از یکسو زنان سهم بیشتری را در مشاغل (به‌خصوص شامل رده‌های بالای تخصصی) طلب می‌کنند که این منایر فرهنگ سنتی و روابط اقتصادی موجود است و از طرف دیگر به دلیل همان باورهای سنتی (به‌خصوص توسط خود زنان و خانواده‌ها) بسیاری از زنان تحصیل‌کرده خاندانشین شده و همچنان به حاشیه‌نشینی اقتصادی - اجتماعی و بالتبع فضایی خود ادامه می‌دهند که حاصل آن بلااستفاده ماندن سرمایه‌گذاری عظیمی است که برای تحصیلات عالی دختران صرف شده است. (جدول ۲ و ۳)

(جدول ۲) پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی  
دولتی استان برحسب مرد و زن در استان تهران

شرح		۱۳۷۵-۷۶	۱۳۷۸-۷۹
مرد	تعداد	۲۵۱۸۷	۲۰۸۷۶
	درصد	۵۹/۷	۵۵/۱
زن	تعداد	۱۶۹۹۳	۱۷۰۴۹
	درصد	۴۰/۳	۴۴/۹
جمع		۴۲۱۸۰	۳۷۹۲۵

(جدول ۳) پذیرفته‌شدگان ثبت نام شده دانشگاه آزاد اسلامی  
استان برحسب مرد و زن در استان تهران

شرح		۱۳۷۵-۷۶	۱۳۷۸-۷۹
مرد	تعداد	۱۸۹۸۲	۲۰۰۰۴
	درصد	۴۸/۹	۴۴/۳
زن	تعداد	۱۹۸۲۵	۲۵۱۳۹
	درصد	۵۱/۱	۵۵/۷
جمع		۳۸۸۰۷	۴۵۱۴۳



- ۴- پیامدهای حاشیه‌نشینی زنان (فضایی-مکانی، اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی)
- نبود یک ارتباط طبیعی و مستعدال بسین زنان و مردان در جهت بارور شدن توانهای آنان
  - محرومیت زنان از تبادل‌نظر و بحث‌های اجتماعی که در مجالس رسمی و حتی خانوادگی صورت می‌گیرد
  - محرومیت جامعه از توان نهایی حدود نیمی از شهروندان
  - کاهش توانایی زنان در امور مختلف به علت بسته بودن محیط آنها و نداشتن ارتباط لازم با همه افراد جامعه بخصوص در سطوح کارشناسان و متخصصین
  - پرورش کودکان جامعه به‌دست مادرانی ناتوان، تحقیر شده با باورهای غیرواقعی
  - بدآموزی به کودکان و نوجوانان و ادامه دور باطل حاشیه‌نشینی زنان و پیامدهای آن
  - وجود خشونت خانگی (همسرآزاری و غیره) و اجتماعی علیه زنان به‌دلیل در حاشیه بودن آنها و نبود قوانین لازم برای دفاع از حقوق زنان از یکسو و عدم آگاهی آنان برای احقاق حقوق و قبح مراجعه زنان به مراجع قضایی از نظر جامعه سنتی از سوی دیگر
  - نبود پناهگاه خانگی و اجتماعی برای زنان ستم‌کشیده (در اثر خشونت‌های خانوادگی یا اجتماعی) به دلیل در حاشیه بودن زنان و عدم توجه جامعه مردسالار به آنها
  - باور عمیق بسیاری از زنان به ناتوانی (اجتماعی - اقتصادی)، جنس دوم بودن و در نتیجه کاهش کارآیی آنها
  - انجام ازدواج‌های نامناسب تحمیلی به‌علت نبود ارتباط مناسب، شناخت کافی بین جوانان و پیامدهای حاصل از این رویداد
  - استفاده از دختران در کارهای خانه و بچه‌داری از سنین پایین و افت تحمیلی آنها

این پیامد در بخش آموزشی به‌طور خاص بدینگونه است :

- کمبود دبیران کارآمد در مدارس دختران و نتایج بعدی این کمبودها (افت تحمیلی و غیره)
- عدم ارتباط طبیعی و مناسب بین پسران و دختران نوجوان در یک محیط سالم و کنترل شده
- عدم استفاده از استادان بهتر در بخش دختران (چون همواره به

کلاسهای دختران در دانشگاه نیز مانند مدارس به صورت دست دوم و جنس دوم نگریسته می‌شود، زیرا جامعه ما مردسالار بوده و حتی زنان سنتی نیز این موضوع را باور داشته و در این زمینه به مردان کمک می‌کنند.

- بارور شدن وعدم شکوفایی استعداد زنان در تحصیل و کار به علت کمبود امکانات آنها و عدم ارتباط اجتماعی لازم با کل جامعه
- نبود یک ارتباط طبیعی در یک محیط کنترل شده که نتیجه آن ارتباط جوانان در محیط های ناسالم و یا ایجاد توهمات و عقده های روانی است.
- فقدان تجربه لازم برای زنان متخصصی و کارشناس بخصوص در مواردی که نیازمند به سفر، بازدید و تجربه های میدانی وجود دارد.

### جمع بندی:

زنان جامعه ما به دلایل مختلف از جمله فرهنگی، دچار حاشیه نشینی اجتماعی، اقتصادی گردیده اند که حاصل آن یک حاشیه نشینی فضایی و مکانی است. هرچند این جدایی فضایی و مکانی خود مجدداً در حاشیه نشینی اقتصادی - اجتماعی زنان تاثیرگذار است. حذف یا لااقل کاهش و تعدیل این پدیده مسلماً نیاز به زمان، مبارزه و تلاش، آموزش و آگاهی هم به زنان و هم به همه افراد جامعه می‌باشد. زیرا این حاشیه نشینی (فضایی بخصوص اجتماعی - اقتصادی) نه تنها به زنان که به کل جامعه آسیب می‌رساند و جامعه را از توان تقریباً نیمی از اعضای خود محروم می‌سازد، در حالیکه جامعه به نحوی برای آنها (بخصوص در زمینه آموزش و تحصیلات عالی) سرمایه گذاری کرده است. از طرفی جامعه را از وجود یک رابطه طبیعی و منطقی بین دو نیمه آن بی بهره می‌نماید.

**حال چه باید کرد؟** این نیمه یعنی تعدیل یا محو حاشیه نشینی زنان (فضایی و بخصوص اجتماعی آن) همانگونه که قبلاً اشاره شد نیاز به ممارستی طولانی و وسیع دارد. قبل از هرچیز باید به زنان و دختران با آموزش وسیع و آگاهی رسانی (از طریق آموزشهای مستعارف و رسانه های عمومی) تواناییهایشان را تفهیم کرد و مضرات این حاشیه نشینی را نشان داد تا با زدودن باورهای عمیق کهن نسلهای دیرینه، آنها را آماده مشارکتی متعادل و پویا در جامعه مدنی ساخت.

همزمان باید این آموزش و آگاهی به نیمه دیگر جامعه (مردان و بخصوص نوجوانان پسر با هدف تغییر ساختار ذهنی آنها نسبت به موضوع زنان) نیز داده شود و به آنها آموخت که این حاشیه‌نشینی لااقل به اندازه مورد زنان در کل جامعه زیان‌بار است و صدمات و پیامدهای ناهنجار آن در همه جامعه و بر همه اعضاء آن تاثیر گذار است.

این دویم جزئیات‌لای عظیم از سوی مسئولین آگاه و معتقد و مبارزه‌ای بی‌امان از سوی اندیشمندان (چه زن و چه مرد) میرنخواهد شد. با میدان روز.

منابع:

- ۱- مطالعات میدانی (مشاهده، مصاحبه) نگارنده در نقاط مختلف کشور از جمله تهران و سایر کشورها
- ۲- پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران - کار، مهرانگیز
- ۳- مفهوم شهر ۱ و ۲ گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای
- ۴- شهر و عدالت اجتماعی - هاردی، دیوید
- ۵- سالنامه‌های آماری (کشور و استان تهران) در سالهای مختلف